

تطبیق اوج و حسیض انسان در قرآن و مثنوی و انعکاس آن در نگارگری

صفوی

چکیده

نگارگری یکی از هنرهای زیبا و نمادین در ایران است و بررسی آثار برجای مانده از نگارگری نشان‌دهنده انتقال مفاهیم مهم فردی و اجتماعی در این آثار است. شعر و ادب فارسی نیز از آثاری است که ارزش مهمی در انتقال مفاهیم مهم انسانی دارد. یکی از اصلی‌ترین دغدغه‌های مولانا انسان‌شناسی است و یکی از کتاب‌هایی که مولانا از آن بسیار تأثیر پذیرفته قرآن است؛ از موارد تأثیرپذیری از قرآن، انعکاس شخصیت‌های نیک و بد قرآنی در مثنوی است. این پژوهش به روش «تطبیقی-تحلیلی» انجام گرفته است. یافته‌های پژوهش حاکی از این است که بسیاری از الگوهای ارائه شده در مثنوی، با الگوهای قرآنی مطابقت دارد؛ بیشتر این الگوها یا انبیای الهی هستند یا اولیای الهی؛ انبیای الهی همچون: آدم، ابراهیم، نوح، داوود، سلیمان، صالح، یونس، موسی، یوسف، عیسی و محمد (علیهم السلام)، و اولیای الهی مانند: بایزید بسطامی، منصور حلّاج، فضیل عیاض، شقیق بلخی و ...؛ و برخی مظاهر انسان در حسیض افراد ظالم تاریخ، پادشاهان ستمگر و حاکمان خونریز هستند؛ همچون: قابیل، فرعون، نمرود، قارون، ابوجهل، ابولهب، و حجاج یوسف. مولانا این الگوهای انسانی را به طریق رمز و نماد به کار برده و اغلب از آنها و رویدادهای مربوط به زندگی‌شان، برداشته‌های عارفانه نموده است و هدفش این بوده که نشان بدهد هر یک از این الگوها، نماد چه فضایی یا ردایی اخلاقی هستند. در نگاره‌های برجای مانده از دوره صفوی نیز می‌توان مضامینی از ارزشمندی انسان را مشاهده کرد.

اهداف پژوهش:

۱. بررسی سیمای انسان در مثنوی و تطبیق آن با قرآن.
۲. بررسی اوج و حسیض سیمای انسان در نگارگری دوره صفوی.

سوالات پژوهش:

۱. اوج و حسیض انسان از دیدگاه مثنوی و قرآن چگونه است؟
 ۲. سیمای انسان چه بازتابی در نگارگری دوره صفوی دارد؟
- کلیدواژگان:** مثنوی، قرآن، انسان در اوج، انسان در حسیض، نگارگری دوره صفوی.

مقدمه

انسان‌شناسی به عنوان یکی از اساسی‌ترین دغدغه‌های انسان از گذشته‌های دور تاکنون مطرح بوده است. در این میان ادیان توحیدی و آثار علمی و ادبی هر یک از زوایه دید خویش به بررسی آن پرداخته‌اند. اینکه انسان برای رشد و کمال نیامد چه الگوهایی رفتاری است و دارای چه نیازهایی است از محورهای اصلی انسان‌شناسی است. در این میان دین اسلام به عنوان یک دین توحیدی و قرآن به عنوان کتاب آسمانی مسلمانان توجه ویژه‌ای به انسان و الگوهای انسانی داشته‌اند از دیدگاه قرآن انسان جانشین خدا بر روی زمین است. او تنها موجودی است که ویژگی‌هایی چون آفرینندگی و خلاقیت را دارا است. قرآن از طریق هدایت‌گری و ارائه الگو کوشیده تا انسان را در مسیر کمال هدایت کند. با این حال، در جامعه، انسان در معرض تغییرات رفتاری بوده و است. این مسئله سبب شده است تا ضرورت بررسی الگوهای انسانی خوب و بد در قرآن و در آثار ادبی و هنری و پرداختن به اهمیت آن مطرح گردد. بررسی این مسئله در نگارگری به عنوان یکی از هنرهای تأثیرگذار بر حیات فردی و اجتماعی حائز اهمیت است. درخصوص موضوع پژوهش حاضر تاکنون اثر مستقلی به رشته تحریر در نیامده است با این حال آثاری به بحث انسان‌شناسی در قرآن و مثنوی پرداخته‌اند. مقاله‌ای با عنوان «راز توصیف دوگانه انسان در قرآن» به قلم علی محمدی (۱۳۸۸) به رشته تحریر در آمده است و نویسنده بر آن است در قرآن برخی آیات به تحسین انسان پرداخته و برخی دیگر او را سرزنش کرده است و تفکیک بین مرحله تکوین که خداوند امکانات و توانایی‌های را در اختیار انسان قرار داده و مرحله ارزش‌گذاری اخلاقی که همواره با اراده و اختیار و تکلیف همراه است نقش مهمی در این نگاه دوگانه به انسان دارد. با این حال، در این اثر اشاره‌ای به تفاوت انسان خوب و بد در قرآن نشده است. مقاله‌ای دیگر با عنوان «جایگاه انسان در مثنوی معنوی مولوی» توسط دهقان (۱۳۹۵) به رشته تحریر در آمده است. نویسنده در این اثر بر آن است که بعد ملکوتی و متعالی انسان است که به مرتبه ولایت او بر مجموعه آفرینش و مفهوم انسان کامل پیوند می‌خورد و بخش عظیمی از آموزه‌های عرفانی وی را در بر می‌گیرد. مقاله‌ای دیگر با عنوان «پارادوکس شکل انسان در نگارگری مکتب اصفهان با تاکید بر تک نگاره‌ها» توسط ابرهیمی (۱۳۸۶) به رشته تحریر در آمده است و نویسنده در آن به بررسی انسان‌مداری در نگارگری مکتب اصفهان پرداخته است. با این حال، در این آثار به صورت مستقل به بررسی الگو انسان خوب و بد در قرآن و مثنوی و انعکاس آن در نگارگری دوره صفوی پرداخته نشده است. این پژوهش بر آن است تا به روش توصیفی و تحلیلی و با تکیه بر داده‌های کتابخانه‌ای به بررسی انسان در اوج و در حضيض در قرآن و مثنوی بپردازد و چگونگی انعکاس آن در نگارگری دوره صفوی را بررسی کند.

نتیجه‌گیری

مبحث انسان و تجربه زیسته او در بسیاری از آثار محور گفتگو بوده است. قرآن کریم و مثنوی مولانا نیز از جمله آثاری هستند که به این مقوله پرداخته‌اند. حاصل سخن آن‌که انسان و انسان‌شناسی از موضوعات محوری در قرآن و آثار مولانا است؛ همه‌ی موضوعات دیگری که در آثار آن عارف بزرگوار مطرح و بررسی شده‌اند، بی‌گمان با موضوع انسان ارتباط دارند و در حقیقت به خاطر گشادن ماهیت اصلی این هدف نهایی آفرینش بوده است. به عبارت دیگر، تأکید مولانا این است که «مقصود از جمله آفرینش ما اینست». انسان در مثنوی، با دو تصویر انعکاس یافته: انسان در اوج و انسان در حقیض؛ مولانا برای انسان در اوج و انسان در حقیض الگوهای ارائه کرده، که بیشتر الگوهای ارائه شده انسان در اوج در مثنوی، یا انبیای الهی هستند یا اولیای الهی، یا خلفای راشدین یا پهلوانان حماسی؛ همچون: ابراهیم، نوح، سلیمان، عیسی و محمد (علیهم السلام)، اولیای الهی مانند: شمس، شقیق بلخی و... و علی ع و رستم. برخی مظاهر انسان در حقیض هم افراد و اقوام ظالم و ناسپاس تاریخ، پادشاهان ستمگر و حاکمان خونریز هستند، همچون: قابیل، فرعون، نمرود، قارون، قوم سبا و قوم لوط. مولانا این الگوهای انسانی را گاهی به طریق رمز و نماد به کار برده و اغلب از آن‌ها و رویدادهای مربوط به زندگی‌شان، برداشت‌های عارفانه نموده و هدفش این بوده که نشان بدهد هر یک از این الگوها، نماد چه فضایل یا رذایل اخلاقی هستند. بررسی نگارگری دوره صفوی و نگاره‌های بر جای مانده از این دوره حاکی از این است که انسان و مقتضیات زندگی او از محورهای این نگاره‌هاست، به طوری که در برخی از این آثار انسان شکوه و عظمت وی به تصویر کشیده شده است و در برخی با ارائه الگوها و داستان‌هایی شرایط انسان در حقیض به تصویر کشیده شده است.

منابع:

قرآن.

- افشاری، مرتضی و همکاران. (۱۳۹۷). «بررسی روند نمادگرایی شمایل‌ها در نگارگری اسلامی از منظر نشانه‌شناسی». هنر اسلامی، شماره ۵۵، ۱۳-۳۷.
- کتاب مقدس شامل کتب عهد قدیم و عهد جدید. (۲۰۰۳). تهران: ایلام.
- بلاغی، صدرالدین. (۱۳۵۴). قصص قرآن، چاپ نهم، تهران: امیرکبیر.
- بلخی، جلال‌الدین محمد. (۱۳۶۹). فیه ما فیه، با تصحیح و حواشی بدیع الزمان فروزانفر، تهران: امیرکبیر.
- بلخی، جلال‌الدین محمد. (۱۳۷۶). مثنوی معنوی، تصحیح رینولد ا. نیکلسون، به اهتمام نصرالله پورجوادی، چاپ چهارم، تهران: امیرکبیر.
- جامی، نورالدین عبدالرحمان. (۱۳۷۰). نفحات الانس من حضرات القدس، تهران: اطلاعات.
- حسینی دشتی، سید مصطفی. (۱۳۷۹). معارف و معاریف، چاپ سوم، تهران: مؤسسه‌ی فرهنگی آرابه.
- خزائلی، محمد. (۱۳۹۲). اعلام قرآن، چاپ نهم، تهران: امیرکبیر.
- رزمجو، حسین. (۱۳۷۵). انسان آرمانی و کامل، چاپ دوم، تهران: مؤسسه‌ی انتشارات امیرکبیر.
- زرّین کوب، عبدالحسین. (۱۳۶۶). بحر در کوزه، تهران: علمی.
- زرّین کوب، عبدالحسین. (۱۳۶۸). سرّ نی، تهران: علمی.

زمانی، کریم. (۱۳۸۸). شرح جامع مثنوی معنوی، چاپ چهاردهم، تهران: اطلاعات.

زمانی، کریم. (۱۳۹۴). میناگر عشق، چاپ سیزدهم، تهران: نشر نی.

سعدی شیرازی، مصلح‌الدین. (۱۳۷۴). کلیات، مقدمه و شرح حال از استاد جلال‌الدین همایی، تهران: انتشارات جاویدان.

کزازی، میرجلال‌الدین. (۱۳۷۲). رؤیا حماسه اسطوره، تهران: نشر مرکز.

مطهری، مرتضی. (۱۳۵۶). انسان در قرآن، قم: انتشارات صدرا.

معین، محمد. (۱۳۷۵). فرهنگ فارسی، چاپ نهم، تهران: امیرکبیر.

نصری، عبدالله. (۱۳۷۹). مبانی انسان‌شناسی در قرآن، تهران: مؤسسه فرهنگی دانش و اندیشه معاصر.

نیکلسون، رینولد الین. (۱۳۷۴). شرح مثنوی معنوی مولوی، ترجمه و تعلیق حسن لاهوتی، تهران: علمی و فرهنگی، اینترنت:

پایگاه اطلاع‌رسانی شیخ حسین انصاری؛ Erfan.ir